



سرمقاله

تقویم دی‌ماه را که ورق می‌زنی از ۱۵۰ سال گذشته تا همین سه سال پیش، مناسبت‌هایی را می‌بینی که بوی خون می‌دهند. خون مقدسی که در راه آزادی بر زمین ریخته است. آزادی یعنی مانعی برای رسیدن به استعدادها نباشد. استعداد چیست؟ هرچه که هست، باید رشد و تعالی در آن باشد؛ و گرنه آزادی برای رسیدن به آن معنا ندارد. رشد چیست؟ رشد یعنی رسیدن به سرحدی از توانایی‌های مختلف جسمی یا روحی؛ مثلاً می‌گویند طرف رشید شده است؛ یعنی توانایی نگهداری آنچه را برای اوست دارد؛ حال سرمایه باشد، مال باشد یا جان. تعالی چیست؟ بالارفتن؛ آن قدر بالا که جهان برایت به قدر یک ذره کوچک شود. حال اگر پاهایت در زمین باشد، زبانت به گفتگو با مردمان بچرخد، گوش‌هایت نغمه دنیا و اهالی آن را بشنود و چشمانت هزاران هزار رنگ ببیند؛ اما سرت در هوا باشد، شاید هم بی‌هوا باشد، بی‌هوای نفس، آن وقت متعالی شدی. متعالی که شوی، جانت را می‌گذاری برای جان دادن به دیگران؛ رشدت در ارشاد دیگران است؛ دست‌گیر می‌شوی نه می‌گیر. آن وقت استعداد لشکر خدا می‌شوی. خدا رویت حساب باز می‌کند. آزاد می‌شوی؛ مثل همان آزادی به وقت ۱:۲۰ نیمه‌شب.

سال‌ها قبل از ۱۳ دی ۱۳۹۸، در ۲۸ دی‌ماه ۱۳۳۹ مبارزی را گرفتند، تیربارانش کردند، دفنش کردند، بیرونش آوردند و سوزاندندش. به چه جرمی؟ تلاش برای آزادی. خواستند اثری از او نباشد؛ شاید میل به آزادی هم با او خاکستر شود. علیه چه کسانی قیام کرد که این بلاراسرش آوردند؟ علیه استعمار بلژیک. مردمش در سختی بودند و سرمایه آن‌ها غارت می‌شد. کشوری آزاد و قوی می‌خواست که ثروتش برای مردمانش باشد. نتیجه‌اش چه شد؟ بالاتر گفتم. اما او زنده است؛ چون کنگو آزاد شد و آرمان او به ثمر رسید. نامش چه بود؟ پاتریس لولومبا.

سحرگاه ۲۷ دی ۱۳۳۴ شمسی، هم‌زمان با سالروز شهادت حضرت زهرا (س)، صدای اذان صبح یک اعدامی در محل پادگان لشکر دوم زرهی تهران پیچید و بعد از آن، صدای تیرباران. جرمش چه بود؟ می‌خواست کشورش بر اساس اصول عقاید اسلامی اداره شود. همان اصولی که مردمش سال‌ها به آن معتقد بودند. چیز دیگری هم می‌خواست؟ نفت ملی شود. نفت برای مردمانش حکم نان داشت. عایدی سالانه مملکتی استعماری که مسیر تولید به دست حاکمانش بسته شده تا نکند اربابان خارجی شان ناراحت شوند، از نفت بود. نفتی که سیاه بود اما می‌توانست روزگار مردمش را سفید کند. عاقبت حق خواهی‌اش سری بلند بود که پیشانی بر آسمان می‌سایید. اما شاه و دولت سربلندی را نمی‌پسندیدند. اما نامش با خون نوشته شد. نامش چه بود؟ سیدمجتبی نواب صفوی.

سه‌میة کلماتم تمام شد؛ اما هنوز دی‌ماه را کامل شرح نداده‌ام. دی‌ماهی که هر روزش عبرتی است برای کسی که دنبال حقیقت باشد. باید فانوسی دست بگیرم و در کوچه‌پس‌کوچه‌های تاریخ قدم بزنم. در هر خانه‌ای را بزنم و توشه‌ای بگیرم. به بازار نگاهتان که رسیدم، ره‌توشه‌ام عرضه کنم؛ شاید چراغ راه دیگرانی شود که اشتیاق دانستن دارند.



ما به دی‌ماه پر از حادثه عادت داریم

۲ چه کرد که لایق شد؟

۳ قهرمان

۴ آن ۱۷۶ نفر

۵ جبران نمی‌شوی

۶ یک شعر کوتاه

۷ آزادی یا..

۸ بهانه خلقت

۹ الفبای تبیین

۱۱

چه کرد که لایق شهادت شد؟



سال ۱۳۹۱ است. حکومت بشار اسد در سوریه، حکومتی که به تنهایی سه دهه در برابر صهیونیست‌های غاصب ایستادگی کرده و حمایت خودش را از گروه‌های مقاومت فلسطین و روسیه اعلام کرده، در حال سقوط است. تروریست‌ها سوریه را اشغال کرده‌اند و کشورهای سلطه‌طلب به بهانه مبارزه با تروریسم به دنبال تشکیل پایگاه و ارسال نیروی نظامی به سوریه هستند. در چنین شرایطی است که سردار سلیمانی به همراه سپاه قدس وارد میدان می‌شود و به مقابله با تروریست‌ها می‌پردازد و اجازه نمی‌دهد کشورهای فرصت‌طلب به اهداف خود دست یابند.

اقدامات سردار سلیمانی در سوریه به چندین مرحله تقسیم می‌شود:

(۱) آموزش پلیس سوریه در چگونگی برخورد با شورش‌های خیابانی

(۲) تربیت نیروهای اطلاعاتی-امنیتی

(۳) استفاده از ظرفیت‌های مردمی و تشکیل نیروهای دفاع ملی (قوات الدفاع الوطني)

(۴) تشکیل کمیته ارتش که به بازسازی و توانمندی ارتش در ابعاد مختلف سازمانی و عملیاتی می‌پرداخت.

بعد از آنکه یگان‌های رزم آماده نبرد شدند، مبارزات بسیاری در سطح شهرها صورت گرفت و سرانجام با اتمام عملیات آزادسازی قلعه بوکمال (آخرین قلعه داعش)، ریشه این گروه تروریستی در سوریه نابود شد.

سرتیپ غالب جازیه، رئیس واحد رسانه در اداره سیاسی ارتش عربی سوریه، در مصاحبه‌ای درباره شهید سلیمانی این‌طور عنوان کرده است: «شهید سپهبد قاسم سلیمانی با شخصیت

فرماندهی منحصربه‌فرد خود توانست الگوی هم‌زمانش در عرصه مقاومت در میدان‌های افتخار و مردانگی باشد. حاج قاسم فرمانده‌ای شجاع بود که از دشواری‌ها نمی‌ترسید و مشکلات او را تحت‌تأثیر قرار نمی‌داد. همین امر سبب محبوبیت فراوان ایشان در محور مقاومت شد و توانست از خلال آن نیروهای گروه‌های متعددی را بسیج و سازماندهی کند.»

یکی دیگر از اقدامات بین‌المللی مهم شهید سلیمانی، جلوگیری از پیشرفت داعشی‌ها از سامرا به عراق بود. در زمانی که داعش به سمت بغداد پیشروی می‌کرد، سردار سلیمانی وارد بغداد شد و چهارده مجموعه در آنجا درست کرد. برای هر مجموعه قرارگاهی تشکیل داد و نیروها را تقسیم کرد. تعدادی از آن‌ها مأمور به حفظ بغداد و تعدادی از نیروها مأمور به جلوگیری از پیشروی نیروهای داعشی شدند.

موسی اسماعیلی، مسئول سابق ستاد بازسازی عتبات در حرم سیدمحمد(ع) و امامین عسکریین(ع)، رشادت‌های حاج قاسم در مبارزه با داعش در عراق را این‌گونه روایت می‌کند:

«شهر بلد استراتژیک‌ترین نقطه در بغداد به سمت سامرا و یکی از مهم‌ترین مراکز استقرار نیروهای داعش به شمار می‌رفت و به دلیل موقعیت جغرافیایی، مرکز تجمع داعشی‌ها بود. سال‌ها قبل، داعشی‌ها به این سرزمین آمده، زمین‌هایی خریده و ساختمان‌هایی ساخته بودند. همه ساختمان‌ها هدفمند بود و به نظر خانه و ویلایی، اما بسیار مستحکم بود که گلوله معمولی امکان تخریب آنجا را نداشت. به خاطر ویژگی بلد که تنها شهر شیعه‌نشین در شمال عراق بود، داعش در جریان فتنه، سرمایه‌گذاری

بسیاری در آنجا کرد و نیروهایش را در این شهر مستقر کرده بود.

هدف آن‌ها این بود که ضربه‌ای به شیعیان بلد بزنند. وقتی سردار سلیمانی با کمک سپاه بدر، نیروهای قدس و مقاومت تصمیم می‌گیرند که به سامرا بیایند، داعش در جاده اصلی مستقر بود و حتی جاده را تله‌گذاری و شکافته بود تا نیروها از حاشیه جاده بیایند و باز آنجا هم تله کار گذاشته بودند. سردار که خواست به سامرا بیاید، هوا در مسیر تاریک می‌شود. ایشان صلاح ندید به سامرا ادامه مسیر بدهد؛ برای همین تصمیم می‌گیرد شب در بلد بماند. با این تغییر مسیر و حضور در بلد، داعش تصور می‌کرد که عملیاتشان لو رفته است. به همین دلیل، تیراندازی را شروع می‌کنند. از اطراف شهر حملات شروع می‌شود و سردار و نیروهایش تازه متوجه می‌شوند که شهر بلد هم محاصره داعش بوده است. آن موقع نیروهای حشدالشعبی و مردمی هم پای کار می‌آیند و با هر چه دارند در صحنه حاضر می‌شوند؛ تا جایی که درگیری تا صبح هم ادامه پیدا می‌کند. آن شب تلفات بسیاری به داعش وارد شد و کشته‌های آن‌ها آن قدر زیاد بود که در جاده چیده شده بود.»

سردار سلیمانی اولین فرمانده نظامی جهان بود که به درخواست دولت‌های سوریه و عراق خود را به جبهه جنگ آن‌ها رساند و با نبوغ خاص خود و استراتژی و تاکتیک‌های خلاقانه، پایان خلافت شوم داعش را رقم زد.

“

سه سال گذشت و نه خاک سرد شد و نه دل‌ها از یاد او، پاک. هیچ‌کجای دنیا داغِ قهرمان، سردشدنی نیست.

قهرمان

ملت عزیز ایران! سردار بزرگ و پرافتخار اسلام آسمانی شد...

صدای گویندهٔ خبر در گوشمان می‌پیچد و آن حیرت آمیخته با داغی بر سینه، دوباره تداعی می‌شود.

سه سال گذشت و نه خاک سرد شد و نه دل‌ها از یاد او، پاک. هیچ‌کجای دنیا داغِ قهرمان، سردشدنی نیست.

امروز در غوغای روایت‌ها، باید کفش آهنین پوشید و به دل حقیقت زد. باید شناخت را قوت بخشید که شناخت، مقدمهٔ ایمان است و ایمان، همه‌چیز.

«خطاب به برادران و خواهران ایرانی:

برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد...»

از بارزترین خصوصیات قهرمان، عشق است به وطن و مردم. عشق که همراه ایمان شد، «من جان ناقابل‌ی دارم» گفتن‌ها به حقیقت می‌پیوندد.

آمرلی در محاصرهٔ ۳۶۰ درجه قرار داشت و راه‌های ارتباطی قطع شده بود؛ به طوری که هر هلیکوپتری که در آسمان دیده می‌شد، زیر آتش مستقیم داعش قرار می‌گرفت. می‌گویند ایمان، شجاعت‌بخش است و من این را در به‌دل آتش‌زدن حاج قاسم دیدم؛ آن‌گاه که سدِ داعش شهر را در محاصره داشت.



شاید بعد از سخنرانی «ما ملت امام حسینیم»، مشهورترین سخنرانی حاج قاسم آن سخنرانی «این چپ است، آن راست است» باشد. آن‌جا که حاجی فراجناحی اندیشیدن را یادمان می‌دهد. جامعه‌ی ما، خانوادهٔ ماست را یادآوری می‌کند. چپ، راست، این سو و آن سو در نظر حاجی، همه با هم یکی است برای حق که همان کلام رب است.

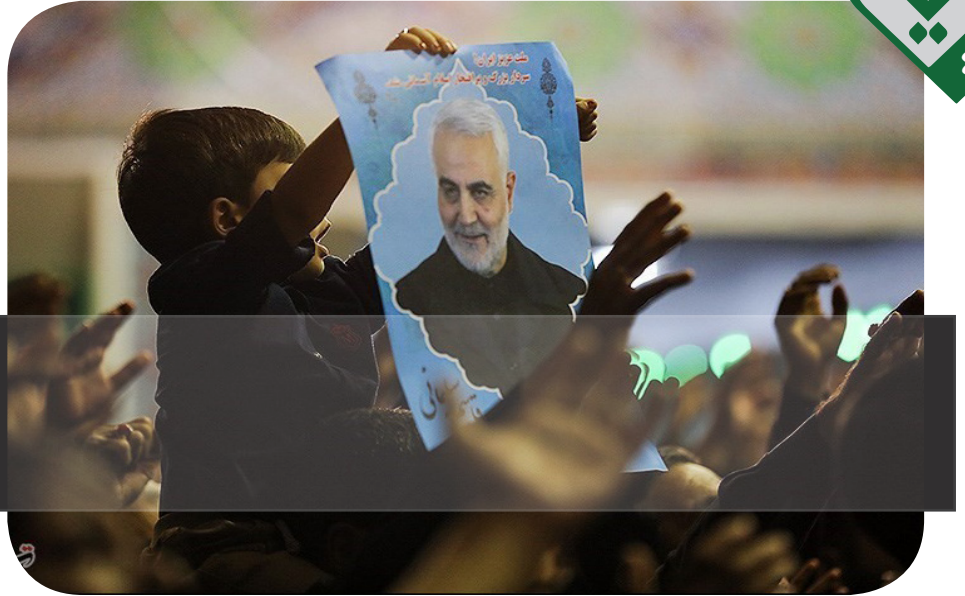
از حاجی گفتن و نوشتن صرف، حق مطلب را ادا نمی‌کند و کلام بسیار، ناگفته باقی خواهد ماند. به قول آقا: «حاج قاسم را نباید یک فرد دید؛ او یک مکتب است، یک مدرسه، یک راه است. او رزمنده‌ای بدون مرز است. او بلاگردان مقدسات است. مکتب حاج قاسم را باید خواند، باید شنید، باید به جان سپرد.»

در مورد ایشان خیلی صحبت‌ها شده است. اینکه ایشان همواره موجب وحشت اهل ظلم و امیدی برای مظلوم بوده، در تمام مطالبی که منتشر شده به وضوح دیده می‌شود؛ ادامه متن در صفحه بعد

عبارت درج‌شده بر سنگ مزار شهید بنا به وصیت ایشان «سرباز قاسم سلیمانی» است. مخلصان آنان‌اند که برای خدا کار می‌کنند و آن را در بوق و کرنا نکرده، بین خدا و خودشان نگه می‌دارند و هرگز به آن غره نمی‌شوند. خدا خود هر آن کس را که تواضع پیش گیرد، عزتی والا خواهد بخشید.

هر جا که کسی از مصیبتی که بر او وارد شده آهی بکشد، قهرمان است که خود را به او خواهد رساند. خواه مصیبت، سیل فراگیرِ نوروز باشد، خواه جانوری با نام ترور است.

پشت میز ننشستن و در میدان بودن، از مؤثرترین ویژگی‌های قهرمان‌هاست. من با این عبارت، عکسی از حاجی یادم می‌آید که تا زانو در سیل رفته، به کمک مردم می‌شتابد. فرمانده که قبل از حرف‌زدن، خود عمل کند و سپر خطر شود، سرباز با جان و دل حرفش را می‌پذیرد. صدایی در گوشم می‌پیچد. یاد نگرانی‌های آقای اصغر افتادم... .



اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که انسان‌ها همواره به قهرمان‌ها و مکتبشان توجه و افتخار می‌کنند و همه به بزرگی مکتب قهرمان، اقرار دارند.

رئیس اسبق سیا حاج قاسم را مهم‌ترین دشمن در خاورمیانه می‌دانست؛ در حالی که رئیس‌جمهور سوریه در یکی از سخنرانی‌های خود در مورد حاج قاسم این‌گونه گفته بود: «یاد شهید سلیمانی در وجدان مردم سوریه که هرگز ایستادن وی را در کنار ارتش عربی سوریه و دفاع از سوریه علیه تروریسم و حامیان آن از یاد نخواهد برد، جاودان خواهد ماند.»

لوتیس فراخان، رهبر دینی و اجتماعی سیاه‌پوستان آمریکا، در یکی از سخنرانی‌های خود این‌گونه می‌گوید: «آقای ترامپ گفت که آن مرد (قاسم سلیمانی) بسیاری از آمریکایی‌ها را کشته بود. من از شما می‌پرسم، این آدم‌هایی که او کشته کجا بودند؟ آیا در نیویورک آن‌ها را کشت؟ در کلرادو، کالیفرنیا یا فلوریدا؟ آن‌ها را کجا کشت؟ او آن‌ها را در عراق کشت. شما (ارتش آمریکا) در عراق چه غلطی می‌کردید؟ چه کسی از شما خواست به آن‌جا بروید؟» بعد خطاب به او با حرف‌هایی را مطرح می‌کند و ادامه می‌دهد: «شما آن‌ها (سربازهای ارتش آمریکا) را برای شهوتان به نفت، برای تاراج ثروت ملل دیگر فرستادید. قاسم سلیمانی تروریست نبود. او سربازان یک ارتش اشغال‌گر را از بین می‌برد، ارتشی که عراق را اشغال کرده بود. او برادر ملت عراق بود و تلاش می‌کرد تا آن‌ها را از شر ارتش اشغال‌گر آزاد کند.» در ادامه خطاب به مقامات آمریکا می‌گوید: «شما یک

ارتش اشغال‌گر هستید. شما در خاورمیانه چه غلطی می‌کنید؟!»
خبرگزاری CBS News نیویورک، سردار سلیمانی را شخصیتی برجسته و عمیقاً مورد احترام در ایران می‌داند. در رابطه با حاج قاسم نقل کرده است: «او یک نابغه نظامی بود. او برای ایرانی‌ها نماد مقاومت ملی در برابر چهار دهه فشار آمریکا بود.»

رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس، اسماعیل هنیه، در سخنرانی خود گفت: «فرمانده شهید سلیمانی همه زندگی خود را در حمایت از فلسطین به سر برد. اعلام می‌کنم این فرمانده بزرگ، شهید قدس است، شهید قدس است، شهید قدس است...»

می‌گویند در دنیا فقط دو حزب وجود دارد. حزب‌الله و حزب شیطان. مشخص است کشورهایی که به آن‌ها ظلم روا گشته، در کدام سو ایستاده‌اند. حق، حاج قاسم را قهرمان خود دانسته و باطل از او و خدای او در هراس است. باطل از آن جهت که زودرووی حق ایستاده، عاجز است؛ پس ظلم می‌کند تا عجز خود را پشت ظلمش پنهان کند. باطل تاب روبروی حق ایستادن را ندارد؛ از آن‌رو به قول امام، متفکران ما را در سیاهی شب می‌کشد. حاج قاسم قهرمان است و دوست داشتن قهرمان هم محدود به مرزها نمی‌شود؛ عشق قهرمان اتحاد آفرین است.

در هیچ‌کجای دنیا، مردم نه قهرمانشان را فراموش می‌کنند، نه قاتلان قهرمانشان را...!





جبران نمی‌شوی



عکس سردار وسط سازمان ملل روی دست‌های رئیس‌جمهور ایران بالا می‌رود. چهار یا پنجمین دادگاه پرونده ترور شهید سلیمانی تشکیل می‌شود. همه از خونخواهی و پیگیری پرونده در سطح بین‌الملل حرف می‌زنند اما خب معلوم است که قاتل با پای خودش به محکمه نمی‌آید! برای خلاص شدن از تمام اتهاماتش، اتفاقاً بیشتر تلاش می‌کند تا ضربه بزند. ایران را با هر ترفندی شده به هم بریزد تا اصلاً جمهوری اسلامی نباشد تا مجبورش کند درباره همه جنایاتش در منطقه و ایران پاسخگو باشد.

با این دشمن، باید محکم برخورد کرد. آقایان! مسئولان! جای شعار دادن‌ها، مرد عمل باشید و هر جور می‌توانید دست‌وپای این سرطان مهلک را از منطقه ببرید.

انتقام خون شهدای فرودگاه بغداد فقط در خواست خانواده‌هایشان نیست. دو کشور به پهنای ایران و عراق خودشان راهم نشین و هم جوار سردار و ابومهدی

می‌دانند. دو کشور سه سال است که هر جا ته دلشان لرزیده و امنیتشان به خطر افتاده، محال بوده که یاد جان‌فداهایشان نکنند. آن چهار هزار صفحه پرونده‌ای را که به نام آن‌ها نوشته شده ببینید و مثل وقتی که حاج قاسم به خانواده شهدا قول می‌داد انتقام شهیدشان را از

داعش بگیرد، از آمریکا و همه هم‌دستانشان انتقام بگیرید؛ جوری که آرامش از زندگی‌شان رخت بندد و برود و برنگردد!

بچه‌ای که نگاهش در نگاه بغض‌دار مادر قفل شده بود و مادری که از این خیابان به آن خیابان سر به هوا، حواسش پرت عکس‌ها و بنرهای او بود. او با لباس سپاه و نگاه تیز و محکم، او با لباسی گرمی روی تلی از خاک، او با صورتی گشاده و لبخندی مهربان، او، او و او.

وقتی بچه دست‌های کوچکش را به چشم‌های مادر کشید و پرسید که «چه شده؟» مادر باید چه بگوید؟ چه چیزی بگوید که کم نباشد و حق مطلب را ادا کند؟

مادر دست‌وپاشکسته حرف می‌زند. با دست سردار را نشان می‌دهد و می‌گوید: «سه سال پیش، آن آقا را که خیلی مرد شجاع و بزرگی بود، آدم‌بدها گشتند!» بغض در گلو مادر می‌ترکد و اشک نمی‌شود؛ چون هیچ بچه‌ای نباید گریه‌های تا به این حد غم‌انگیز مادرش را ببیند. مادر دست می‌کشد روی حلقه از دواجش که

حتی بعد از آوردن پیکر همسرش هم از دستش در نیآورده است. محمد که رفت، سردار گفته بود: «خودم انتقام همه شهدا را می‌گیرم.» و گرفت! حالا چه کسی قرار است انتقام او را بگیرد؟ خبرها به‌روز می‌شوند. اولین فیلم از خنده آمریکایی‌ها هنگام تیراندازی به ماشین سردار بیرون می‌آید.

دونالد ترامپ رسماً اعلام می‌کند که «کار ما بود. خوب هم کردیم زدیم!» دادگاه الکرخی عراق چهار نفر از عاملین جنایت سیزدهم دی ماه را به حبس ابد محکوم می‌کند. پامپئو هنگام مصاحبه بایک خبرگزاری سعودی، از همکاری بعضی عناصر سازمان اطلاعات عراق خبر می‌دهد.



آن ۱۷۶ نفر



زمان حادثه که تنها ساعاتی پس از حمله بزرگ موشکی به پایگاه نظامی آمریکا در عراق انجام شده بود و آسمان منطقه هنوز التهاب داشت، پروازهای مسافربری لغو یا تعلیق نشده بود؟

در ماده ۱۰ قانون هواپیمایی کشوری مصوب ۱ مردادماه ۱۳۲۸ آمده است: «اداره کل هواپیمایی کشوری می تواند در مواردی که امنیت عمومی یا عمل نظامی ایجاب می کند، با تصویب هیئت وزیران پرواز هواپیمای ایرانی یا خارجی را بفرزاق قسمتی از خاک کشور ممنوع یا محدود یا مقید به شرایط خاصی بنماید.» اما سؤال اینجاست که این سازمان در چه شرایطی می تواند این تصمیم را اجرا کند؟ پاسخ این است که نیروهای مسلح باید برای ممنوع شدن پروازها درخواست کنند و هواپیمایی کشوری صرفاً اجراکننده دستور است؛ اما سردار حاجی زاده فرمانده هوافضای سپاه در پاسخ به این سؤال در نشست خبری گفتند: «پیش از سانحه برای خالی شدن فضای کشور از پروازها درخواست شده بود. از دید من زمانی که شرایط جنگی می شود، باید از سوی مسئولان ذی ربط این اتفاق می افتاد؛ ولی به هر ترتیب چنین اتفاقی نیفتاد.» در حالی که علیرضا منتظری، معاون سابق هوانوردی کشوری، گفت: «اگر نیروهای مسلح درخواست کنند و هیئت دولت تصویب کند، سازمان هواپیمایی کشوری می تواند آن را اجرا کند.»

حال سؤال اینجاست که هیئت دولت به ریاست جناب حسن روحانی (رئیس جمهور وقت) آیا علی رغم درخواست های نیروهای مسلح مبنی بر لغو پروازها، کلییر (clear) کردن آسمان را تصویب نکرده است؟

آقایان هیئت دولت قبلی باید پاسخ دهند که آیا هزینه کلییر کردن آسمان بیشتر بود یا سانحه سقوط هواپیمای اوکراینی؟

«این متن صرفاً گزارشی از اتفاق هواپیمای اوکراینی است؛ پس لطفاً بدون هیچ پیش زمینه ای تا انتهای مطلب را بخوانید.»

هشدار انتقام سخت، در سخنرانی اش ایران را تهدید و اعلام کرد به ۵۲ نقطه مهم فرهنگی ایران حمله خواهد کرد. بعد از این سخنرانی، ایران نیز در حالت آماده باش قرار گرفت. روز ۱۸ دی ماه، یعنی پنج روز بعد از شهادت سردار سلیمانی، پایگاه نظامی آمریکا در عراق به نام «عین الاسد» مورد اصابت موشک های ایران قرار گرفت که آغاز پروژه انتقام سخت بود. به گفته فرمانده ارتش، دلیل انتخاب این روز برای انتقام از آمریکا این بود که ۵ روز بعد از شهادت سردار، ۲ نقطه نظامی آمریکا هدف قرار بگیرد و پاسخی به ترامپ و تهدیدات او داده شود و همچنین عدد ۵۲ که او استفاده می کرد، توسط مارمزشگشایی شود. طبیعتاً بعد از این اقدام و تهدیدات دولت آمریکا، ایران باید شرایط دفاعی و جنگی خود را بیشتر تقویت کند و اعلام آماده باش صددرصد برای شرایط جنگی صادر شود؛ زیرا بعد از عین الاسد، امکان حمله کروزها و هواپیماهای جنگی آمریکا و وابستگانش بسیار زیاد بود.

پرده چهارم

طبق شرایط جنگی، به مراکز دولتی و رئیس جمهور وقت، آقای حسن روحانی، اعلام شده بود که به هیچ پرواز مسافربری امکان پرواز داده نشود. حال سؤال اینجاست که متولی لغو پروازهای غیرنظامی در این شرایط کیست؟ چرا در

پرده اول

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸
مبدأ: کیلومتر ۳۰ جاده تهران - قم، باند ۲۹ راست فرودگاه امام خمینی (ره)
مقصد: کی یف، اوکراین
ساعت پرواز: ۱۲:۰۶ دقیقه صبح
شماره پرواز: ۷۵۲
مدل هواپیما: بویینگ ۷۳۷ اوکراینی
شماره رجیستر: urpsr

مسافران هر کدام با اهداف مختلف عازم اوکراین هستند و در هواپیما منتظر شروع پرواز نشسته اند. هواپیما در ساعت ذکر شده از زمین بلند می شود.

پرده دوم

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸
ساعت: ۱۲ بامداد (۰۰:۰۰)
مکان: ۴۶ کیلومتری تهران، بیدگنه
ایران در شرایط جنگی و تهدیدآمیز قرار دارد. یک سامانه پدافندی جدید برای حفاظت از یکی از تأسیسات مهم سپاه پاسداران در این مکان مستقر می شود. بالاترین سطح آماده باش نظامی (۳-۳) برقرار شده است. یک مقام آمریکایی در مصاحبه با رویترز درباره این اقدام می گوید که نیروی موشکی ایران به بالاترین سطح آماده باش درآمده است.

پرده سوم

سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، ۱۳ دی ۱۳۹۸ در فرودگاه بغداد به دست آمریکایی ها به شهادت رسید. مسئولان آمریکا نیز این اقدام تروریستی را به عهده گرفتند. ملت ایران و مقامات دولتی در پی شهادت سردار، به دولت آمریکا هشدار دادند که انتقام سختی در انتظار آن هاست. دونالد ترامپ، رئیس جمهور وقت آمریکا، بعد از



نشده که چه کسی باعث کشته شدن تمامی سرنشینان هواپیما شد. در ماجرای هواپیمای اوکراینی نیز طبق اخبار رسیده از خانواده شهیدای این واقعه تلخ، در فرآیند بررسی جعبه سیاه هواپیما سنگ اندازی‌ها و کارشکنی‌هایی از طرف‌های خارجی اتفاق افتاده است.

در این میان نام یک هواپیمای ایرانی گم شده است. در ۱۲ تیرماه سال ۱۳۶۷، ناو آمریکایی وینسنس در خلیج فارس پرواز ۶۵۵ ایران ایر را با موشک هدف قرار داد و تمامی ۲۹۰ سرنشین آن که شامل ۴۵ مسافر غیرایرانی، ۲۴۴ مسافر ایرانی و ۶۶ کودک بودند، جان باختند و به دریا افتادند؛ اما مسئولین این ناو آمریکایی به آمریکا بازگشته و مدال افتخار دریافت کردند! مردم بندرعباس اما، تا یک سال ماهی نخوردند و گفتند: «این ماهی‌ها بدن عزیزان ما را خورده‌اند...»

زهرا فقیهی- علم اطلاعات و دانش‌شناسی
زهرا رمل محمدر، کارشناسی، کامپیوتر

یک شعر کوتاه

۱۷۶

قصه می‌گویم برایت ای گل ناز سمن
این منم دل آتشین مام دیار این وطن

قصه‌ای از روز گل‌باران شدن بر خاک من
از هوای رفتن بی‌بازگشت ای جان من

از هواپیمای اوکراینی و داغ هموطن
از سقوط آن هواپیما و گل‌های وطن

از همان روزی که ابری شد دل این آسمان
داغ آن سردار بر دل بود و باز این شد فزان

آسمان بارید و انگار از زمان و از زمین
لاله می‌بارید بر خاک و دیار سرزمین

غرش طوفانی ابر سیاه آسمان
رعشه‌ای انداخت بر جان زمین و هم زمان

قصه ما شد در آن لحظه سراسر پر ز خون
غصه ما شد در آن دم داغی این داستان

لیک یاد این جوانان وطن هست جاودان
یاد این پرپرگلان خوش‌سفر از این جهان

زهرا نکونام

بعد از آن، تحقیقات ستاد کل نیروهای مسلح شروع شد و ۴۸ ساعت زمان برد. آن روز ما نمی‌توانستیم بگوییم که گوشه‌ای از حادثه برعهده دیگری است؛ پس همه مسئولیت را پذیرفتیم. وقتی از حادثه هواپیما مطمئن شدم، آرزوی مرگ کردم. اپراتور، هواپیما را موشک کروز تشخیص داده بود و سپس نتوانسته بود با مرکز ارتباط برقرار کند. ای کاش می‌مردم و چنین حادثه‌ای را شاهد نبودم. نیروهای هر دو طرف آماده‌باش صددرصد بودند. به‌خصوص که آمریکایی‌ها اعلام کرده بودند ۵۲ نقطه در ایران را می‌زنند. پس از حادثه، کسانی که در این حادثه دخیل بودند، فوراً قرنطینه شدند.»



بالتابت دخالت خطای انسانی درباره حادثه‌ی هواپیمای مسافربری اوکراینی

مصیبت این حادثه اندوهبار برای اینجانب بسیار سنگین تر شد

دستور رهبر انقلاب اسلامی به ستاد کل نیروهای مسلح در پی سقوط هواپیمای مسافربری اوکراینی:

- کوتاهی‌ها یا تقصیرهای احتمالی در این حادثه‌ی دردناک را پیگیری کنید
- برای عدم امکان تکرار چنین سانحه‌ای مراقبت‌های لازم صورت گیرد

پرده هفتم

حال سه سال از این حادثه تلخ و غم‌بار می‌گذرد و پنجمین جلسه دادگاه پرونده نیز با ریاست قاضی مهران فر برگزار شده است. قاضی مهران فر در این جلسه بیان کرد: «دادگاه به‌عنوان یک مرجع بی‌طرف در حال طی مراحل دادرسی است. در راستای کشف حقیقت با هیچ‌کس تعارف نداریم و هر کجا لازم باشد از فرد یا مسئولی سؤال شود، این کار را خواهیم کرد.»

ماز دادگاه انتظار داریم هر چه سریع‌تر اطلاعات این پرونده را منتشر و وضعیت را روشن کنند. البته بد نیست این را در نظر داشته باشیم در حالی که ایران پس از ۴۸ ساعت به اعلام علت حادثه می‌پردازد، پروازهای موشک‌خورده بسیاری در سراسر دنیا و در طول تاریخ وجود دارد که هیچ سازمانی در کشور شلیک کرده مسئولیتی قبول نکرده و پاسخی درخور ارائه نداده است. نمونه آن پرواز شماره ۱۷ هواپیمایی مالزی که در مرز روسیه و اوکراین سقوط کرد اما پاسخی برای آن ارائه

نامه درخواست کلیبر کردن آسمان کجاست و توسط چه کسی صادر شد؟ چه کسی آن را دریافت کرد و مسئول اجرای آن بود؟

آیا توثیقی که آقای روحانی در پاسخ به تهدیدهای ترامپ زده بودند و گفته بودند: «آن‌هایی که به عدد ۵۲ اشاره می‌کنند، بهتر است به عدد ۲۹۰ هم فکر کنند. IR۶۵۵# هیچوقت ملت بزرگ ایران را تهدید نکنند.» به ماجرای هواپیمای اوکراین، آن هم در چند روز قبل ارتباط دارد؟

پرده پنجم

ساعت ۳:۰۸ بامداد، اخبار از برخواستن هواپیماهای آمریکایی از پایگاه‌های خود در امارات

و عراق گزارش می‌دهند. در همین زمان منابع ناشناس نیز خبر از شلیک موشک کروز به سمت ایران می‌دهند. بعد از آن، شبکه یکپارچه پدافندی چندین بار وجود این اشیاء در آسمان ایران را به واحدهای پدافندی تذکر می‌دهند. چند دقیقه پس از پرواز هواپیمای اوکراینی، پرواز مجاز به اوج‌گیری تا ارتفاع ۲۶ هزار پا می‌شود. ساعت ۶:۱۴ در پرند، نزدیک بلوار امام خمینی (ره) وقتی هواپیما در ارتفاع حدوداً هشت هزار پایی از سطح زمین است، ارتباط سرویس ADSB آن قطع می‌شود. کمی بعد، در هنگام

چرخش، کاملاً در حالت نزدیک‌شونده به یک مرکز حساس نظامی سپاه در ارتفاع و شکل پروازی یک هدف متخاصم قرار می‌گیرد. اپراتور پدافند به یک شیء در آسمان مشکوک شده و تلاش می‌کند با مرکز عملیات امنیت با SOC تماس بگیرد اما موفق نمی‌شود. ساعت حدوداً ۶:۱۵ صبح است که اپراتور تصمیم به شلیک موشک به سمت این هواپیمای می‌گیرد.

ساعت ۶ و ۱۹ دقیقه و ۳۵ ثانیه، هواپیما در منطقه محمودآباد شهریار سقوط کرده و تمامی مسافرین جان خود را از دست می‌دهند.

پرده ششم

بعد از سقوط هواپیما، خبر این‌گونه منتشر می‌شود که هواپیمای مسافربری اوکراین سقوط کرد و علت آن در دست بررسی است. عده‌ای اشکال در موتور هواپیما را دلیل آتش‌گرفتن و سپس سقوط می‌دانستند. سردار حاجی‌زاده درباره این اتفاق گفتند: «تا ظاهر برای مجموعه ما قطعی شد که هواپیما با شلیک پدافند سقوط کرده است.

۱. Automatic Dependent Surveillance-broadcast (سیستم نظارتی مشارکتی برای رهگیری هواپیماها)

۲. System On Chip (مرکز عملیات امنیتی)

آزادی یادیکتاتوری؟



معروف شناخته بشود؛ بنابراین لازمه امکان امر به معروف و نهی از منکر داشتن آزادی بیان است. لذا چنانچه دولت سد راه این آزادی شود، در واقع جلوی امر شرعی را گرفته است. در اصل سوم قانون اساسی یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم را، در بند ۸ ذکر کرده است: «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.» سؤالی که در این زمینه وجود دارد این است که چگونه می‌توان این نقش را ایفا کرد و مردم چگونه می‌توانند در زمینه‌های مختلف مشارکت داشته باشند؟

انسان وقتی می‌تواند در امری مشارکت کند که آگاهی داشته باشد. اگر مسائل مملکتی مربوط به دولتی که سر کار است مطرح نشود، مردم از کجا بدانند که مثلاً وزیر نیرو به وظیفه‌اش خوب عمل کرده است یا بد؟ بنابراین لازمه اجرای وظیفه جمهوری اسلامی در شرکت دادن مردم در سرنوشت خود و جانشین کردن حکومت جمعی به جای فردی، آزادی بیان در مطبوعات است. وقتی مطبوعات محدود شوند، مردم به شایعه‌پراکنی و رسانه‌های بیگانه روی می‌آورند؛ پس در واقع آزادی به مصلحت دولت هم می‌باشد. لذا محدودیت بیش از حد باعث می‌شود که روزنامه‌ها دیگر خواندنی نباشند و مردم مجبور شوند که به رسانه‌های خارجی مراجعه کنند... نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که همه صاحب‌نظران

آزادی بیان، فراگیرترین شکل آزادی و از آرمان‌های بشری در طول تاریخ است که با تمام اشکال آزادی در ارتباط است. حق آزادی بیان در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم محترم شمرده شده است: «هر کس حق آزادی بیان عقیده دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.» مهم‌ترین معیاری که نشان از وجود دموکراسی است، حق دسترسی افراد به اطلاعات و انتشار آزادانه آن است؛ زیرا این آزادی، خاصیت شفاف بودن دولت را به دنبال دارد. به‌طور خلاصه، منظور از آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیرعمومی است. چون دسترسی مردم جامعه به اطلاعات درستی از فعالیت‌های سیاسی دولت، باعث می‌شود مسئولین خود را در برابر مردم پاسخگو بدانند.

از نظر اعتقادی، یکی از اصول فرعی دین اسلام امر به معروف و نهی از منکر است. ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی در بند «الف» بر داشتن حق آزادی بیان تأکید کرده و در بند «ب» به حق امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است. حال برای آنکه این تکلیف شرعی که هم بر عهده مردم و هم بر عهده دولت است بتواند اتفاق بیفتد، باید در وهله نخست،

قضایی به دلیل همین ضابطه‌مند کردن آزادی‌هاست. این روزهای کشور که شاهد سردادن شعارهای آزادی هستیم، اندکی تأمل در این زمینه را می‌طلبد.

جز در گروه تروریستی داعش، زنده‌زنده آتش‌زدن یک انسان در کجای اسناد بین‌المللی و در قانون کدام کشور به‌عنوان حق آزادی شناخته شده است؟ در کجای جهان فحاشی رکیک به مقدسات هر دینی، محترم شمرده شده و از مصادیق آزادی است؟ در کدام سند حقوق بشر فردی را صرفاً به دلیل تعارف شکلات به رئیس‌جمهور، می‌توان تهدید به مرگ و آتش‌زدن مغزه‌اش کرد؟

در کدام کشور گروهی شعار آزادی بر سر زبان‌شان است و هم‌زمان هر کس را که مخالف عقایدشان حرفی بزند از گروه‌های مجازی حذف می‌کنند؟ در کدام کشور جهان مأمور امنیتی را به‌بهانه آزادی به قتل می‌رسانند؟ مگر غیر از این است که در همه کشورهای درگیری با مأمورهای امنیتی و پلیس را به‌شدت پاسخ می‌دهند؟ آن هم نه با برگزاری دادگاه و بررسی جزئیات پرونده و شنیدن دفاعیات متهم!

در مهد آزادی، پلیس آمریکا چنانچه احساس کند (فقط در حد همان گمان نه یقین) که فردی قصد حمله به پلیس دارد را می‌تواند در لحظه به قصد مرگ به او شلیک کند. اصولاً هم هیچ‌کس حق ندارد به هر دلیل از فرمان‌های پلیس سرپیچی یا در برابر بازداشت مقاومت کرده و اقدام به درگیری لفظی و فیزیکی با پلیس کند.

به گزارش شبکه CNN آمریکا، در جریان یک ایست بازرسی ساده در یکی از خیابان‌های میشیگان آمریکا، نوجوان آمریکایی که پشت فرمان خودرو نشسته بوده، اقدام به نوربالا زدن می‌کند. مأمور پلیس پس از

دستگیر کردن وی با او درگیر می‌شود و به سمت او شلیک می‌کند که منجر به مرگ نوجوان می‌شود. حال این‌ها را مقایسه کنید با کوکتل مولوتف در مقابل تنفگ پینت‌بال. مگر غیر این است که شبکه سعودی اینترنشنال دم از آزادی نداشتن در ایران می‌زند در حالی که متولی این شبکه یعنی بن سلمان شاهزاده عربستان، جمال خاشقچی روزنامه‌نگار را به دلیل انتقاد از نحوه حکمرانی، در کنسولگری عربستان سعودی در ترکیه به فجیع‌ترین شکل ممکن به قتل رسانده و جسدش را تکه‌تکه کرد؟

مگر غیر این است که در فضای مجازی، عکس سردار حاج قاسم سلیمانی که تروریست‌های آمریکایی او را شهید کردند، ممنوع است؟ حاج قاسم که از مبارزان علیه داعش بود، داعشی که البته خود آمریکایی‌ها اعتراف به تأسیس آن کردند، چرا تصویر وی نباید در فضای مجازی منتشر شود؟



در عین حال که آزادی بیان را قبول دارند، در این موضوع اتفاق نظر دارند که نمی‌توانیم این آزادی را مطلق بدانیم.

در منابع دینی برای اینکه اطلاع مردم از اخبار، حق آن‌ها شناخته شود، حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «هم شهروندان بر حاکمیت حقوقی دارند و هم حاکمیت بر شهروندان از حقوقی برخوردار است. از جمله حقوقی که ایشان در این نامه از آن یاد می‌کنند بدین شرح است: «بدانید و آگاه باشید شما حتی بر گردن من به‌عنوان حاکم جامعه دارید و آن حق این است که هیچ خبری را از شما پنهان نکنم مگر خبرهایی که مربوط به مسائل جنگی و امنیت می‌شود.» که هر عاقلی آن‌ها را از افشای عمومی مستثنی می‌کند؛ فلذا در بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم این استثنا را شاهد هستیم:

(۱) هیچ‌کس را نمی‌توان به‌مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد.

(۲) هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص، تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات، خواه شفاها یا به‌صورت نوشته یا چاپ یا به‌صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.

(۳) اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

(الف) احترام حقوق یا حیثیت دیگران

(ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، پس از تأکید بر حق آزادی بیان، احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت و اخلاق را به‌عنوان خطوط قرمز آزادی بیان برمی‌شمارد.

در میان تمامی محدودیت‌های آزادی بیان اخلاق و امنیت ملی مهم‌ترین محدودیت‌هایی است که در تمامی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر ذکر شده است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر این موارد را به‌عنوان خط‌قرمزهای آزادی بیان پذیرفته‌اند. لذا در سراسر جهان شاهد این محدودیت‌های آزادی بیان هستیم که اگر حق آزادی بیان در تعارض با دیگر حق‌ها قرار گیرد، محدود می‌شود؛ و گرنه جوامع دچار هرج‌ومرج می‌شوند و در واقع فلسفه ایجاد قانون و دادگاه و رسیدگی‌های



بهانه‌ی خلقت

دارند به دختر نبی(ص) ظلم می‌کنند؟ چشم‌ها تا کجا کور و قلب‌ها تا کجا قسی شده که در را به روی دختر پهلوشکسته سیلی خورده رسول(ص) می‌بندند؟

من هر چه در فاطمه(س) دیدم، عشق و تجلی خدا بود و هر کس را در مقابل کوه استقامتش دیدم، کاری جز جفا و خیانت نکرد. من زن، ارزش و آزادگی‌اش را در فاطمه(س) یافتیم. تاریخ نشان داد تنها مسیری که سوءاستفاده پلید و پست از زن را با لباس آزادی جلوه نداده، اسلام است. تنها جاده اوست که چراغ‌هایش هرگز خاموش نمی‌شوند و تا به مقصد نرسیدن مسافر، دستش را رها نمی‌کنند. من عشق الهی به زن را در فاطمه(س) دیدم؛ آنجا که برای سلام به عزیزان درگاهش فرمود: «درود فرست بر فاطمه(س) و پدرش(ص) و همسرش(ع) و پسرانش(ع)»؛ آنجا که اولین نفر برای ورود به بهشت یک بانوست...

بهانه‌ی خلقت

پرسید: «آن‌ها چه کسانی هستند؟»
در وصفشان، نه نامی از برترین مخلوق برد و نه دلاور خیبر را به شجاعتش نامید. نام برادران آسمانی را هم نبرد.
گفت: «فاطمه است؛ و پدرش(ص) و همسرش(ع) و پسرانش(ع)»

من ارزش و جایگاه زن را از این مکتب این‌گونه آموختم!
آنجا که آفریدگار جهان به آخرین پیامبر(ص) می‌فرماید: «اگر تو نبودی آسمان‌ها را نمی‌آفریدم و اگر علی(ع)، مرد شجاعت و غیرت، نبود تو را نمی‌آفریدم و بدان که شما را خلق نمی‌کردم اگر فاطمه(س) نبود. بهانه خلقت جهان یک «بانو»ست. بانویی تمام‌عیار که استاد مردان و زنان زمانه‌اش و نسل‌های بعد می‌شود و پرسشی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. دختری که تنها هجده سال داشت اما زندگانی‌اش به بلندای تمام قله‌های علم و عشق و معرفت جهان است.

من اسلام را این‌گونه شناختم. ارزشی را که همگان تنها لاف می‌زنند، اسلام جلوه‌گر شد. نه با شعار، نه اصرار و نه اجبار که با عقل کرامت زن را به تصویر کشید و زندگی شرافتمندانه مرد و زن را با پیوند علی(ع) و زهرا(س) بر تابلوی عالم نقش زد.

پدري که در زمانی به پیامبری مبعوث شد که از عمق جهل، دختر را زنده‌به‌گور می‌کردند، به احترام ورود دخترش برمی‌خیزد و در زمانی که بقای نام را تنها در پسرداشتن می‌دیدند، مقابل همه می‌گوید: «فاطمه پاره تن من است».

کج‌فهمی و شبهه به کجا می‌رسد که پاره تن پیامبر(ص)، باید در کوچه‌ها راه برود و بگوید: «بدانید من فاطمه هستم» که بفهمند



الفبای تبیین

«
خیلی‌هایمان امروز از «جهاد تبیین» صحبت می‌کنیم، اما معنای صحیح و اصولی تبیین برای ما جا نیفتاده است.»

تبیین می‌تواند از بعد فرهنگی یا رسانه باشد، می‌تواند در بعد تولیدات رسانه‌ای صورت بگیرد و می‌تواند از جنس ارتباط با نوجوان، دانشجو و... باشد.

● عناوین تبیین را بشناسیم

نکته بعدی و حائز اهمیت، عناوین مهم امر تبیین هستند که در پنج مورد کوتاه اما مفید خلاصه می‌شود و در هر سلسله تبیین، باید مورد توجه و تفکر قرار گیرند. این پنج عنوان عبارتند از:

- (۱) استفاده از تمام ظرفیت‌های مکانی و زمانی
- (۲) در نظر گرفتن تنوع سطح مخاطبان
- (۳) استفاده همزمان از روش‌های گفتاری و عملی
- (۴) بهنگام بودن تبیین
- (۵) جامع‌نگری و توجه به شرایط اجتماعی
- هدف خود را مشخص کنید

نکته دیگری که در الفبای تبیین باید به آن توجه کرد، شناخت و چرایی هدف و عمل است. دانستن آن کمک بزرگی به ما می‌کند که به سؤال «دقیقاً از تبیین چه می‌خواهیم؟»

نیست. زمانی احساس مسئولیت کفایت می‌کند که توأم با مطالعه و تحقیق عمقی باشد و ما را به فهمی از موضوع برساند که دانسته‌های ما را به عرصه عمل بیاورد.

تبیین امری است چندبعدی

چیزی که درباره جهاد تبیین باید بدانیم، این است که تبیین امری تک‌بعدی نیست و دارای ابعاد مختلفی است که هر جنبه آن قابل بررسی، تأمل و فعالیت مخصوص می‌باشد.

یک بار از عزیزی شنیدم که می‌گفت: «ما در ولایت ذوب شده‌ایم!» گاهی حرف‌های رهبر معظم انقلاب را نه از لایه‌های عمیق و مفهومی آن، بلکه سطحی نگاه می‌کنیم و انتظار عملکرد صددرصدی و بهترین بازده را از خود داریم؛ در صورتی که این نتیجه با بینش سطحی حاصل نمی‌شود.

خیلی‌هایمان امروز از «جهاد تبیین» صحبت می‌کنیم. همه ما به خوبی می‌دانیم که

این جهاد در ایران و جهان امروز ما تا چه اندازه مهم است و اگر سنگر تبیین خالی بماند، یعنی ما بازی را باختیم و جای خالی ما را دشمنی پر می‌کند که برای وارونه کردن معنای تبیین، به‌زعم خودش چه خواب‌ها که برای ما ندیده است!

اگر امروز آن‌طور که باید در عرصه تبیین نبوده‌ایم، به خاطر

این است که معنای صحیح و اصولی تبیین برای ما جا نیفتاده است. خیلی‌هایمان فقط می‌دانیم که باید تبیین کنیم. خب، این حس مسئولیت و وظیفه خیلی خوب است؛ اما کافی





شاید قطره‌های کوچکی از این دریای بزرگ و بی‌پایان باشد، اما می‌تواند زیربنای محکمی را از اصول مهم تبیین بسازد. این را نیز باید بدانیم که راه تبیین هموار و یک‌دست نخواهد بود و ما همواره باید موانع را تشخیص بدهیم، آن‌ها را حل و یا از آن‌ها عبور کرده و راه درست را از راه انحرافی تشخیص دهیم؛ تجربه کنیم، از اشتباه نترسیم و با توکل، خودباوری، مطالعه و آموختن این جهادی را که امروزه بر همه ما واجب است، به‌خوبی انجام دهیم تا بتوانیم از پیروان خط رهبر و امام زمان خود باشیم، ان شاءالله.

پاسخ دهیم، شناخت کمک می‌کند تا راهی که در آن قرار گرفته‌ایم، روشن شود و ما را از موانع این مسیر حفظ می‌کند.

در مرحله بعد، باید برای خودمان روشن کنیم که «می‌خواهیم از تبیین‌کردنمان به چه برسیم؟» تبیین، آرمان و هدف متعالی ماست که تنها با قدم‌های کوچک اما پیوسته ما رقم می‌خورد. باید هدف خود را مشخص کنیم که در انتهای مسیر تبیین خود به چه نتایجی دست خواهیم یافت و چه اثراتی خواهیم گذاشت؟ جامعه هدف ما کیست و از چه روش‌ها و ابزارهایی استفاده می‌کنیم؟

● خودباوری داشته باشید

نکته دیگری که یک دانشجوی تبیین‌گر باید به آن توجه کند، خودباوری و اثرگذاری آن است.

اگرچه تبیین سطوح مختلفی از مسئولان، سیاستمداران و سایر افراد را شامل می‌شود، اما نباید فراموش کرد که طبق فرموده حضرت آقا «ما مؤذنان جامعه هستیم». دانشجو فارغ از جغرافیا و شرایطی که در آن قرار دارد، باید به این باور برسد که در عرصه جهاد تبیین می‌تواند تأثیرگذار باشد. حال میزان تأثیرگذاری هر فرد، بسته به توانایی‌ها، مهارت و مطالعه می‌تواند متفاوت باشد؛ اما باید بر این نکته توجه داشت که در هر حال، ما قادر به انجام این کار هستیم و با قدرت توکل و خودباوری می‌توانیم ثمرات درخشان و ماندگاری را به یادگار بگذاریم.

● اهمیت مطالعه در تبیین

نمی‌شود که پا در عرصه جهاد تبیین بگذاریم اما علم آن را نداشته باشیم. در این صورت مانند یک قالب تهی خواهیم بود که تنها پوستی رنگین و خوش صدا اما بی‌محتواست. در جاده تبیین مطالعه، مباحثه، آموختن و اندوختن به قدری مهم و پایه‌ای است که اسکلت اولیه جهاد را پایه‌گذاری می‌کند و اگر پر قدرت نباشد و در ادامه تغذیه نشود، با برخورد با اولین مانع فرو می‌ریزد.

مطالعه در زمینه تبیین، تنها به علوم و مسائل روز هم ختم نمی‌شود. گاهی مطالعه تاریخی و سیر تبیین ائمه اطهار در زمان خود و یا تبیین افراد تأثیرگذار تاریخ، به‌نوبه خود شامل درس‌ها و تجربه‌هایی است که شاید در مکتب دیگری پیدا نشود.

مطالبی که گفته شد، مقدمه‌ای بر مؤلفه‌های ابتدایی اما بسیار مهم در عرصه تبیین بود که